



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بحثی در مورد

ازدواج ها و طلاق های متعدد

امام حسن
علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثی در مورد ازدواج ها و طلاق های متعدد امام حسن (ع)

نویسنده:

کوثر

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | بحثی در مورد ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد امام حسن (ع) |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | مقدمه |
| ۶ | امام حسن و تهمت طلاق |
| ۶ | اشاره |
| ۶ | دسته ۱ |
| ۷ | دسته ۲ |
| ۷ | دسته ۳ |
| ۷ | پاسخ ما |
| ۷ | تنافی این روایات با شخصیت امام |
| ۷ | اشاره |
| ۸ | حال سؤال ما این است |
| ۹ | بررسی اسناد |
| ۱۰ | پایه گذار شبهه |
| ۱۱ | واقعیت چیست؟ |
| ۱۱ | پاورقی |
| ۱۳ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

بحثی در مورد ازدواج ها و طلاق های متعدد امام حسن (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده: فصلنامه کوثر شماره ۵۳

ناشر: ماهنامه کوثر

مقدمه

یکی از موضوعات ساختگی، که برخی از مورخان اسلامی، آگاهانه یا نا آگاهانه به نقل آن پرداخته‌اند، موضوع ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است. بسیار جای تأسف است که اینان بدون بررسی صحت و یا عدم صحت این گونه قضایا، آنها را در کتابهای خود آورده‌اند.

همین کوتاهی‌ها موجب شد دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام برای انتقام گرفتن از اسلام، روی همین موضوع ساختگی، سخت پافشاری نموده و توهین و جسارتها را از حد بگذرانند. وظیفه خود دیدیم در برابر هتاکیهای نویسنندگان مغرض، مانند «اکرم البستانی»، به بررسی این موضوع از جنبه تاریخی پردازیم.

امام حسن و تهمت طلاق

اشاره

برخی از مورخان نوشته‌اند که امام حسن مجتبی علیه السلام پی در پی ازدواج می‌کرد و طلاق می‌داد. و این کار آن قدر تکرار شد که امیرمؤمنان علیه السلام به مردم کوفه فرمود: ای اهل کوفه! دخترانتان را به عقد حسن در نیاورید؛ چرا که او فردی طلاق دهنده است. مردی از طایفه همدان گفت: ما به او دختر می‌دهیم؛ اگر خواست، نگه دارد و اگر مایل نبود، طلاق دهد. [۱].

این سخن، تهمتی بیش نیست و از واقعیت به دور است؛ چرا که اولاً: این روایات هرگز با شأن و منزلت و مقام امام حسن مجتبی علیه السلام سازگار نیست. ثانیاً: بیشتر این نقلهای تاریخی از سه مورخ نقل شده است که آن سه نیز کتابهای خود را زیر سایه دولتهای غاصب بنی‌عباس به رشته تحریر در آورده‌اند. ثالثاً: این تهمت از سوی منصور عباسی برای خنثی سازی شورش حسنی‌ها طرح ریزی شده است. ما نخست به نقل روایات و نقلهای تاریخی پیرامون این مسئله می‌پردازیم و سپس پاسخ آنها را می‌آوریم. روایات پیرامون ازدواجهای مکرر امام حسن مجتبی علیه السلام سه دسته هستند:

دسته ۱

در این دسته از روایات فقط به نهی از ازدواج و علت آن اشاره شده است.

۱. برقی در کتاب محاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که مردی خدمت امیرمؤمنان علیه السلام آمد و عرض کرد: آمده‌ام با تو درباره دخترم مشورت کنم؛ چرا که فرزندان: حسن و حسین و عبدالله بن جعفر به خواستگاری او آمده‌اند. امام فرمود: «المستشار مؤتمن؛ بدان که حسن، همسران خویش را طلاق می‌دهد، دختری را به ازدواج حسین در آور که برای دختری بهتر است.» [۳].

۲. کلینی به سند خود از عبدالله بن سنان نقل کرده: امام صادق علیه السلام فرمود: روزی امیرمؤمنان علیه السلام بر فراز منبر، مردم

کوفه را مخاطب قرار داده، فرمود: به فرزندم حسن زن ندهید که او مردی است طلاق دهنده. پس مردی از طایفه همیدان گفت: آری! به خدا سوگند، دخترانمان را به ازدواج او درمی آوریم؛ چرا که او فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و امیر مؤمنان علیه السلام است؛ پس اگر خواست، نگه دارد و اگر مایل نبود، آنها را طلاق دهد. [۳].

دسته ۲

در این دسته از روایتها امیر مؤمنان علیه السلام از ازدواجها و طلاقهای مکرر امام حسن مجتبی علیه السلام سخت اظهار نگرانی کرده است.

۱. بلاذری از ابی صالح نقل کرده که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: آن قدر حسن علیه السلام زن گرفت و طلاق داد که ترسیدم دشمنی دیگران را در پی داشته باشد. [۷].
۲. سیوطی از علی علیه السلام نقل کرده: حسن علیه السلام ازدواج می کرد و طلاق می داد، به طوری که بیم داشتم از قبایل و طوایف عداوت و دشمنی به ما برسد. [۵].
۳. ابوطالب مکی می نویسد: علی علیه السلام از ازدواجهای امام حسن علیه السلام دلتنگ می شد و در سخنرانی خود می فرمود: فرزندم حسن، زنان خویش را طلاق می دهد؛ به او زن ندهید. [۶].
۴. مجلسی از محمد بن عطیه نقل می کند: امیر مؤمنان علیه السلام از طلاق زنان توسط امام حسن علیه السلام دلتنگ می شد و از خانوادههای آنها شرم و حیا می کرد و می فرمود: حسن بسیار طلاق می دهد؛ به او زن ندهید. [۷].

دسته ۳

در دسته سوم به تعداد زنها اشاره شده است؛ و ابن حجر، ابوطالب مکی، ابوالحسن مدائنی، کلینی، کفعمی، بلخی و ابن شهر آشوب به نقل آن پرداخته اند و تعداد زنان امام حسن علیه السلام را چنین گفته اند:

۱. کفعمی: شصت و چهار. [۱۵].
۲. ابوالحسن مدائنی: هفتاد. [۹].
۳. ابن حجر: نود. [۱۰].
۴. کلینی: پنجاه. [۱۱].
۵. بلخی: دویست. [۱۲].
۶. ابوطالب مکی: دویست و پنجاه. [۱۳].
۷. برخی نیز آورده اند که وی سیصد زن داشته است. [۱۴].
۸. همچنین نقل شده که تعداد زنها امام به چهار صد زن رسیده است. [۱۵].

پاسخ ما

تنافی این روایات با شخصیت امام

اشاره

چنانچه گفته شد، این کار با شأن و مقام امام حسن مجتبی علیه السلام هرگز سازگار نیست؛ زیرا چهره‌ای که قرآن و سنت و سایر

معصومین علیهم السلام از امام حسن علیه السلام ترسیم کرده‌اند، با روایاتی که نقل شده، قابل جمع نیست. قرآن در شأن و منزلت امام حسن علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام آیه «تطهیر» [۱۶] و آیه «مودت» [۱۷] را نازل فرموده است.

پیامبر درباره امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند.» [۱۸] همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مورد امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود: «هرکس این دو را دوست داشته باشد، من دوستش دارم و کسی را که من دوست دارم، خدا نیز او را دوست خواهد داشت و کسی که خدا او را دوست داشته باشد، در بهشت‌های پر نعمت وارد خواهد کرد.» [۱۹].

ابن کثیر دمشقی می‌نویسد: امیرمؤمنان علیه السلام فرزند خود امام حسن علیه السلام را بسیار احترام و تعظیم می‌کرد. [۲۰].

امام حسین علیه السلام به خاطر احترام و عظمتی که برای برادرش، امام حسن علیه السلام قائل بود، هرگز در حضورش سخن نمی‌گفت. [۲۱]. در حین طواف، مردم برای اظهار ارادت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام آن چنان به یکدیگر فشار می‌آوردند که گاه ممکن بود به زیر دست و پا بروند. [۲۲].

گاهی امام حسن علیه السلام بر در خانه می‌نشست، در چنین لحظاتی رفت و آمد مردم به جهت هیبتی که او داشت، قطع می‌شد. [۲۳].

در حالات معنوی امام حسن علیه السلام آورده‌اند: به هنگام وضو، رخسارش دگرگون می‌شد و در پاسخ پرسش کنندگان می‌فرمود: «حقّ علی کلّ من وقف بین یدی ربّ العرش ان یصفر لونه و یرتعد فرائضه [۲۴].؛ شایسته است کسی که در برابر پروردگار می‌ایستد، رنگش زرد گردد و لرزه بر اندامش بیفتد.»

حال سؤال ما این است

- آن امام معصومی که برای حضور در برابر خالق یکتا، آن چنان لرزه بر اندامش می‌افتد، چگونه حاضر می‌شود خدا را به وسیله چهار صد مرتبه طلاق دادن - که مبعوض‌ترین عمل حلال در نزد خداوند شمرده می‌شود - از خود برنجاند؟
- روایات بر فرض صحت، در زمانی صادر شده است که امیرمؤمنان علیه السلام در کوفه بوده‌اند، که اگر تعداد روزهای حضور آن حضرت را در کوفه با حذف روزهای جنگ جمل، صفین و نهروان و پیامدهای آن حساب کنیم، به یقین دروغ بودن این اتهام آشکار خواهد شد؛ چرا که آن فرصت بسیار کم و پردردسر گنجایش چنین مدعایی را نداشته است. اگر زمان هریک از ازدواج‌ها تا طلاق را در نظر بگیرید و اینکه بیشتر از چهار زن دائم، جایز نبوده و نیز لحاظ شرایط فقهی طلاق دادن، خود به دروغ بودن این روایات گواهی خواهید داد.
- آیا نهی امام علی علیه السلام، نهی از منکر بود یا نهی از حلال؟ در هر دو صورت، هیچ کدام درست نیست؛ زیرا به شهادت آیه «تطهیر»، هرگز فعل قبیح و منکر از امام معصوم مشاهده نمی‌شود تا مورد نهی قرار گیرد. نهی از حلال هم نمی‌تواند باشد؛ زیرا در کدام شریعت از حلال نهی شده که در اسلام چنین باشد؟!
- آیا نهی امیرمؤمنان علیه السلام با مقدمه بوده یا بدون مقدمه؟ اگر بدون مقدمه و یادآوری بوده، که چنین سخنی با مقام والای امیرمؤمنان علیه السلام سازگار نیست که آن حضرت بدون یادآوری قبلی، آبروی فرزند خود را بریزد! و اگر پس از یادآوری بوده، ولی امام حسن علیه السلام زربار نرفته، می‌گوییم این هم با شخصیت والای امام حسن مجتبی علیه السلام سازگار نبوده است که این گونه پدر و امام خویش را در تنگنا و مشکل قرار دهد.
- آیا باور می‌کنید امام حسن مجتبی علیه السلام با آن شأن و منزلت، اسباب شرمندگی پدر خویش را فراهم آورد تا جایی که حضرت دلتنگ شده و از خانواده‌ها شرم و حیا کند، و یا از بیم دشمنی طوایف و قبایل کوفه نسبت به آنها رنج برد؟!

طبق نقل ابن عساکر، از سوید بن غفله نقل شده: یکی از همسران امام حسن علیه السلام که از طایفه خشعم بود؛ پس از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام و بیعت با امام حسن علیه السلام به ایشان تبریک گفت. امام به وی فرمود: تو خوشحالی و شماتت خود را به کشته شدن امیرمؤمنان علیه السلام اظهار کردی. من تو را سه طلاقه کردم. آن زن گفت: به خدا سوگند! قصد من این نبود. و پس از پایان عده‌اش از خانه امام خارج شد.

امام مبلغ باقی مانده از مهرش را به اضافه بیست هزار درهم برایش فرستاد. آن زن گفت: متاع کمی است که از دوستی جدا شده به من می‌رسد. وقتی که سخن آن زن را به امام گفتند، حضرت گریه کرد و فرمود: اگر نبود که از پدرم، از جدّم شنیده‌ام که می‌فرمود: «کسی که همسر خود را سه طلاقه دهد، تا آن زن شوهر دیگری انتخاب نکند، بر شوهر اوّل حلال نمی‌گردد؛ مراجعت می‌کردم.» [۲۵].

دلیل نخست بر مجهول و ساختگی بودن این روایت، این است که امام حسن علیه السلام بدون هیچ مقدمه‌ای و بدون آن که کوچک‌ترین توجهی به قصد و هدف زن داشته باشد، برآشفته و همسر خویش را به خاطر تهنیتی، طلاق می‌دهد؛ که این حرکت، از یک انسان غیر معصوم بعید است، چه رسد به امام معصوم.

ثانیاً: از نظر فقه اهل بیت، طلاق باید در حضور دو شاهد عادل صورت گیرد؛ در حالی که هیچ یک از این مسائل رعایت نشده؛ حال چگونه امام کاری بر خلاف نظر خویش انجام داده است.

ثالثاً: اگر طلاق به خاطر اظهار دشمنی و شماتت بوده، به چه علت برای او بیست هزار درهم اضافه بر مهر خویش می‌فرستد؟ و رابعاً اینکه طبق این نقل، امام در یک مجلس همسر خویش را سه طلاقه کرده است؛ در حالی که این طلاق نه فقط در مذهب اهل بیت علیهم السلام، بلکه در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و ابوبکر و دو سال پس از خلافت عمر نیز، یک طلاق به حساب می‌آمد. [۲۶].

با این بیان، امام می‌توانسته پس از طلاق برگردد، چون طلاق اوّل بود و پس از طلاق اول، زن مطلقه رجعیه است و مرد در حال عده می‌تواند به زن خود رجوع کند. همچنین حضرت پس از پایان عده نیز می‌توانست بدون آن که زن شوهر دیگری کند، او را به عقد خویش در آورد.

آری! فرمایش رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم مربوط به زمانی است که سه مرتبه طلاق صورت گرفته و مرد پس از آن رجوع کرده باشد. اینجا است که زن می‌باید شوهر دیگری انتخاب کند. از آنجا که متن روایت ابن عساکر از اضطراب کامل برخوردار است، دیگر نیازی به بررسی سندی ندارد.

بررسی اسناد

۱. بیشتر مورّخان این نقل تاریخی را یا بدون سند آورده‌اند و یا آن را به ابوالحسن مدائنی و محمد بن عمر واقدی و ابوطالب مکی رسانده‌اند که در هر دو صورت، دارای اشکال است. مثلاً ابن عساکر می‌نویسد: وروی محمد بن سیرین [۵۳۰۰۰]؛ میرخواند شافعی آورده است: نقل است که [۲۸۰۰۰]؛ سیوطی می‌گوید: کان الحسن یتزوج [۲۹۰۰۰]. ابوطالب مکی می‌نویسد: انه تزوّج [۳۰۰۰۰]؛ سبط بن الجوزی آورده است: و فی روایه انه تزوّج [۳۱۰۰۰]؛ ابوالحسن مدائنی آورده است: کان الحسن کثیرالتزویج. [۳۲].

تمامی این نقلها، مرسل است و به آنانی که به این سه مورّخ اعتماد کرده‌اند، باید گفت: این سه مورّخ نیز این جریان را بدون سند نقل کرده‌اند. چنانچه از مدائنی و مکی نقل کردیم. بدین جهت می‌گوییم داستان تعداد زنان امام حسن علیه السلام و ماجرای طلاق آنها، فاقد هرگونه ارزش و اعتبار است.

۲. بسیاری، این سه مورّخ را ضعیف شمرده و ردّ کرده‌اند. از میان آنها می‌توان به ذهبی، [۳۳]، عسقلانی [۳۴]، ابن الجوزی [۳۵]،

عماد حنبلی [۳۶]، رازی [۳۷]، ابن الاثیر جزری [۳۸]، زرکلی [۳۹]، علامه امینی [۴۰]، سیدمحسن امین [۴۱]، هاشم معروف الحسنی [۴۲]. و... اشاره کرد.

۳. هریک از این سه مورخ از مشایخی روایت نقل کرده‌اند که یا جزو هواداران بنی‌امیه بوده‌اند و یا ضعیف و مجهول هستند. مثلاً مدائنی از عوانه نقل می‌کند، در حالی که عوانه به نفع بنی‌امیه جعل حدیث می‌کرده [۴۳]. و برخی از مشایخ او همانند جعفر بن هلال [۴۴]، عاصم بن سلیمان احو [۴۵] ۵۰ و ابن عثمان [۴۶]، ضعیف یا مجهول هستند. طبق گفته یحیی بن معین: حدیث واقدی از مدنیها، از شیوخ مجهول برخوردار است. [۴۷].

هاشم معروف الحسنی می‌نویسد: مدائنی، معاصر عباسی‌ها و از جمله کسانی است که متهم به دروغگویی و جعل حدیث است. در «میزان الاعتدال» ذهبی آمده است: مسلم در صحیح خود از نقل روایت از وی خود داری کرده و ابن عدی او را ضعیف دانسته و اصمعی به او گفته: به خدا سوگند که چیزی از اسلام در تو نمانده است... صاحب «لسان المیزان» گفته است: او از غلامان عبدالرحمن بن سمره بن حبیب اموی بوده است. به علاوه بیشتر روایات او از نوع مراسیل است. اینها همه گواه بر آن است که روایت هفتاد همسر را - که جز مدائنی کسی آن را نقل نکرده - از جعلیات قدرتمندان و دشمنان علویها است [۴۸...].

اما روایت کلینی که در دسته اول آمده، در سندش حمید بن زیاد و حسن بن محمد بن سماعه دیده می‌شوند، که واقعی هستند. [۴۹].

علامه حلی درباره حمید بن زیاد می‌گوید: در نزد من، زمانی روایت او مورد قبول است که معارضی نداشته باشد. [۵۰]. علامه مجلسی ضمن مؤثق شمردن حدیث، چنین توجیه کرده است که: شاید غرض امام از این سخن، استعلام حال آنها یعنی مراتب ایمانشان بوده است؛ نه اینکه فرزند خویش را که معصوم و تأیید شده از سوی پروردگار بود، مورد نکوهش قرار داده باشد. [۵۱]. اما با توجه به واقفی بودن برخی از راویان و فرمایش علامه حلی - که روایت او در صورتی که معارضی نداشته باشد، مورد قبول است - به نظر می‌رسد که این روایت حجیتی ندارد؛ اگرچه علامه مجلسی به توجیه آن برخاسته است. و اما روایت کافی از ابن ابی‌العلاء که در دسته سوم قرار گرفته است؛ علامه مجلسی این حدیث را مجهول می‌داند. [۵۲]. پاسخ ما به روایت برقی در محاسن نیز، این است که: اگرچه خود احمد بن ابی‌عبدالله برقی توثیق شده، اما وی بیشتر روایات را از ضَعفا نقل کرده است. [۵۳].

پایه گذار شبهه

دلایل و شواهد موجود به خوبی نشان می‌دهد که تا پیش از منصور عباسی چنین افترا بی در کتابها نبوده است و این منصور بود که برای خنثی سازی شورشهای علوی و حرکت‌های ضد حکومتی نوادگان امام حسن مجتبی‌علیه السلام این تهمت و شبهه را علیه امام پایه گذاری کرد.

وی که از این شورشها سخت به وحشت افتاده بود، برای رفع نگرانی خود، هیچ حربه‌ای را بهتر از لکه دار کردن چهره پاک و معصوم امام حسن علیه السلام ندید. وی پس از دستگیری عبدالله بن حسن که علیه ظلم و جور قیام کرده بود، در برابر بسیاری از مردم به سخنرانی پرداخت و علی بن ابی‌طالب و امام حسن علیهما السلام و همه فرزندان ابی‌طالب را مورد دشنام و افترا و ناسزاگویی قرار داد و از جمله گفت: به خدایی که جز او نیست، فرزندان ابی‌طالب را در خلافت تنها گذاردیم و هیچ کاری به کارشان نداشتیم؛ در آغاز علی بن ابی‌طالب بدان پرداخت... و پس از وی، حسن بن علی برخاست... معاویه با نیرنگ به او وعده داد تا ولیعهدش کند، بدین ترتیب او را برکنار ساخت و همه چیز وی را گرفت. حسن بن علی نیز همه کارها را به معاویه واگذار کرد و به

زنان روی آورد؛ او امروز با یکی ازدواج می‌کرد و فردا دیگری را طلاق می‌داد و همچنان بدین کار مشغول بود تا اینکه در بسترش مرد [۵۴...].

استاد، هاشم معروف در ردّ این تهمت ناجوانمردانه می‌نویسد: و اما روایت هفتاد و نود و از این قبیل روایاتی که او را زن باره توصیف می‌کنند و اینکه پدرش می‌گفت: به فرزندم حسن زن ندهید که او زن باره است؛ این روایات آن چنان که از اسنادشان بر می‌آید، منبعی جز مدائنی و امثال دروغگوی او ندارد. مدائنی و واقدی و دیگر مورّخان پیشین، تاریخ را در سایه حکومت‌هایی نوشته‌اند که با اهل بیت علیهم السلام سر دشمنی داشتند، و از هر وسیله‌ای برای خدشه‌دار کردن واقعیت‌های آنها و ضربه زدن به ایشان فروگذار نمی‌کردند. حکام دولت عباسی نیز در تعصّب و پلیدی نیت، دست کمی از اسلاف اموی خود نداشتند. عباسی‌ها در جعل احادیث علیه «علویها» با امویها هم دست بودند، به ویژه نسبت به حسنیها کینه خاصی می‌ورزیدند، چون بیشتر آنهایی که علیه ستم سر به شورش برمی‌داشتند؛ از فرزندان و نوادگان امام حسن علیه السلام بودند. [۵۵].

واقعیت چیست؟

آنچه که تاکنون گفته شد، پاسخ به اتهاماتی بود که درباره ازدواجها و طلاقهای متعدد امام حسن علیه السلام طرح ریزی شده بود. واقعیت این است که امام در طول عمر، بیشتر از هشت یا ده [۵۶]. همسر نداشته که تعدادی از این همسران کنیز بوده‌اند. داشتن این تعداد همسر در آن زمان برای قاطبه مردم، امری طبیعی بوده است؛ بلکه برخی تعداد همسرانشان بیش از این بوده، در حالی که کسی متعرض آنان نشده است. حال چه شد که در بین این مردم، فقط امام حسن علیه السلام مورد حملات بیشرمانه دشمنان قرار گرفت؟ آیا نمی‌شود حدس زد این رقم بسیار بزرگ، نشانه ساختگی بودن این احادیث است؟

چرا ابوطالب مکی که تعداد زنهای امام حسن علیه السلام را به ۲۵۰ می‌رساند، جز چند نفر از آنها نام نمی‌برد؟ چرا مورّخان که به تبعیت از ابوالحسن مدائنی و واقدی و مکی تعداد زنان امام را بیش از هشت تن ذکر کرده‌اند، بیشترین آمار را که برای فرزندان امام داده‌اند، بیش از سی و یک فرزند نیست؟ [۵۷].

اینک از ابوطالب مکی باید پرسید: اگر امام چهارصد همسر داشته پس چرا بیش از سی و یک فرزند نداشت؟ آیا همه آن زنان عقیم و نازا بودند؟ آیا امام رغبتی به فرزند نداشت و یا از پرداخت نفقه و هزینه زندگی و تأمین معاش آنها عاجز بوده است؟

پاورقی

- [۱] کافی، ج ۶، ص ۵۶.
- [۲] محاسن برقی، ج ۲، ص ۶۰۱؛ منتخب التواریخ، ص ۱۹۰.
- [۳] کافی، ج ۶، ص ۵۶؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۷۲.
- [۴] انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۵.
- [۵] تاریخ الخلفاء، ص ۱۹۱.
- [۶] وکان علی (ع) یضجر من ذلک فکان یقول فی خطبته ان الحسن مطلق فلاتنکحوه (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۹).
- [۷] همان، ص؟.
- [۸] چهارده معصوم (زندگانی امام حسن (ع))، ص ۵۵۳.
- [۹] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۷۳.
- [۱۰] الصواعق المحرقة، ص ۱۳۹.

- [۱۱] کافی، ج ۶، ص ۵۶.
- [۱۲] البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۵۶.
- [۱۳] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۰.
- [۱۴] همان.
- [۱۵] چهارده معصوم، ص ۵۵۳، به نقل از قوت القلوب.
- [۱۶] الصواعق المحرقة، ص ۱۴۳؛ سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۴۹.
- [۱۷] الدر المنثور، ج ۷، ص ۷.
- [۱۸] الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة، (مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۶۷؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۲).
- [۱۹] من احبهما احبته و من احبته احبه الله و من احبه الله أدخله جنات النعیم (... اخبار اصبهان، ج ۱، ص ۵۶).
- [۲۰] البدايه و النهايه، ج ۷، ص ۳۷.
- [۲۱] مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۰۱.
- [۲۲] البدايه و النهايه، ج ۷، ص ۳۷.
- [۲۳] الامام المجتبی (ع)، ص ۱۰.
- [۲۴] همان، ص ۸۶.
- [۲۵] تاریخ دمشق، (حیاء الامام الحسن (ع))، ص ۱۵۴.
- [۲۶] نیل الاوطار، ج ۶، ص ۲۳۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۲۰.
- [۲۷] تاریخ دمشق، (ترجمه امام حسن (ع))، ص ۱۵۵.
- [۲۸] روضة الصفا، ج ۳، ص ۲۰.
- [۲۹] تاریخ الخلفاء، ص ۱۹۱.
- [۳۰] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۹.
- [۳۱] تذکره الخواص، ص ۱۲۱.
- [۳۲] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۷۳.
- [۳۳] میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۰۷.
- [۳۴] لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۸۶.
- [۳۵] المنتظم، ج ۷، ص ۱۸۹.
- [۳۶] شذرات الذهب، ج ۳، ص ۱۲۰.
- [۳۷] الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۲۱.
- [۳۸] الكامل فی التاريخ، ج ۹، ص ۴۴.
- [۳۹] الأعلام، ج ۷، ص ۱۶۰.
- [۴۰] الغدير، ج ۵، ص ۲۹۰.
- [۴۱] اعیان الشیعه، ج ۴۶، ص ۱۷۲.
- [۴۲] سیره الائمه الاثنی عشر، ج ۱، ص ۶۲۰.
- [۴۳] لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۸۶.

- [۴۴] میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۳۰.
- [۴۵] همان، ج ۴، ص ۳۵۰.
- [۴۶] همان، ج ۶، ص ۱۹۸.
- [۴۷] تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳۴۸.
- [۴۸] زندگی دوازده امام، ج ۱، ص ۶۰۴.
- [۴۹] جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۲۵ و ۲۸۴.
- [۵۰] الخلاصه، ص؟
- [۵۱] مرآة العقول، ج ۲۱، ص ۹۶.
- [۵۲] همان.
- [۵۳] الخلاصه، ص؟
- [۵۴] سیره الائمه الاثنی عشر، ج ۱، ص ۶۱۸.
- [۵۵] زندگی دوازده امام، ج ۱، ص ۶۰۲.
- [۵۶] صلح الحسن (ع)، ص ۲۵.
- [۵۷] بین مورّخین اختلاف است، از هفت فرزند گفته شده تا سی و یک فرزند. رجوع شود به البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۷۴؛ الفصول المهمه، ص ۱۶۶؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۸؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۵۲؛ اعلام الوری، ص ۲۱۳؛ ناسخ التواریخ، جلد امام حسن (ع)، ص ۲۷۰؛ تذکره الخواص، ص ۲۱۲؛ نورالابصار، ص ۱۳۶؛ ذخائر العقبی، ص ۱۴۳؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

